

حل و فصل اختلافات هسته‌ای از طریق مذاکره در حقوق بین‌الملل؛

با تأکید بر اختلاف هسته‌ای ایران و ۱+۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۲۵

مهدی توکلی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۲۸

ابومحمد عسگرخانی^۲

نوع مقاله: پژوهشی

سهراب صلاحی^۳

چکیده

زمینه و هدف: اختلافات هسته‌ای گونه‌ای از اختلافات بین‌المللی است که ناشی از عدم ایفاء تعهدات دولت‌ها ذیل معاهدات مربوط به حقوق هسته‌ای است. با توجه به ماهیت حقوقی - سیاسی اختلافات هسته‌ای و همچنین لزوم حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، این شکل از اختلافات نیز می‌تواند با کمک روش‌های مندرج در ماده (۳۳) منشور حل و فصل شود. بر این مبنای اهداف اصلی این پژوهش تبیین نقش، اهمیت و کارایی مذاکره در حل و فصل اختلافات هسته‌ای است. **روش تحقیق:** روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی است و روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای است که در مطالعات از مقالات فارسی، لاتین و پایان‌نامه‌های دانشگاه‌های مختلف استفاده شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در بررسی این امر که حقوق بین‌الملل چه تأثیری بر فرآیند مذاکرات هسته‌ای ایران داشته و همچنین مذاکره، سازوکار مفیدی در تأمین منافع ایران ناشی از توافق برجام بوده است؟ این نتیجه حاصل می‌شود که مذاکره زمانی ابزار مناسبی در حل اختلافات هسته‌ای خواهد بود که در آن اولاً اصول حاکم بر مذاکره از قبیل اصل حاکمیت اراده، اصل انصاف و اصل حسن نیت رعایت شود و دوم سطح قدرت طرف‌های مذاکره به نحوی باشد که در مذاکره امکان تأمین شدن منافع طرفین وجود داشته باشد. امری که در مذاکرات هسته‌ای میان ایران و ۱+۵ مغفول ماند. **کلید واژه:** حقوق هسته‌ای، مذاکره، اختلافات هسته‌ای، مذاکرات هسته‌ای، ۱+۵.

۱. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

۲. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران، دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول
asgarkha@ut.ac

۳. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران، استادیار گروه حقوق، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

مقدمه

در روابط بین‌المللی، منافع دولت‌ها ممکن است از جانب سایر دولت‌ها تضییع شده یا نادیده گرفته شود. بنابراین، شاهد بروز اختلافات بین‌المللی میان دولت‌ها هستیم. در این میان وظیفه حقوق بین‌الملل ایجاد نظم در روابط دولت‌ها و در صورت بروز اختلاف ارائه راهکار مناسب برای حل و فصل اختلاف میان آن‌ها است. لذا سازوکار حل و فصل اختلاف به مرور تغییر کرد و تحت مقررات حقوق بین‌الملل هم حضور دولت‌ها امضاء دار شد و هم نحوه حل و فصل اختلافات دستخوش تغییر کرد. ایجاد سازوکارهایی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، لزوماً با توسعه حقوقی که در پی ارتقای صلح بود، مرتبط شد. هدف از اعمال این فرآیند، انسانی شدن رفتار دولت‌ها به منظور ارتقای صلح و پرهیز از جنگ میان آن‌ها بود (اسپانیا و دیگران^۱، ۲۰۱۳: ۴۷).

بر این اساس، اندیشه واقع‌گرایانه همواره با تأکید بر اهمیت و ضرورت قدرت، توازن قوا را موجب صلح می‌داند و بر این مبنا حاکمیت‌ها چه در قالب امپراطوری و چه پس از وستفالی در قالب دولت به دنبال افزایش قدرت خود برای رساندن این پیام به سایر حاکمیت‌ها بودند که با وجود توازن قوا، جنگ هیچ منافی نخواهد داشت. آنچه طی سالیان متمادی حق تولید و توسعه تسلیحات نظامی را در عرصه بین‌المللی برای دولت‌ها ایجاد کرده، استناد به مباحثی نظیر حفظ امنیت ملی و بین‌المللی و همچنین آموزه‌هایی چون دفاع مشروع، دفاع پیش‌دستانه و بازدارندگی بوده است (شریفی طراز کوهی و گودرزی رئوف، ۱۳۹۶: ۱۵۴). در این میان، دسترسی بشر به فناوری هسته‌ای و ایجاد تحول در نظام بین‌المللی، نقطه عطفی بود که بسیاری از تحلیل‌گران، نیمه دوم قرن بیستم را «عصر اتم» نام نهادند. اما به علت عدم کنترل و نظارت دقیق بر این فناوری متأسفانه وقایعی در طول این دوران رخ داد که چهره این فناوری بسیار مهم و اساسی زندگی بشر را مخدوش کرد (معظمی، ۱۳۹۳: ۴۰۹). بر مبنای دیدگاه کلاسیک حاکمیت محور مبتنی بر تفکر واقع‌گرایانه، دولت‌ها استفاده از فناوری هسته‌ای را حق خود در همه ابعاد و زمینه‌ها و از جمله در خصوص ساخت سلاح هسته‌ای می‌دانستند. بنابراین، حقوق هسته‌ای در دو بخش به کارگیری می‌شد؛ نخست در

1. Spain and others

بعد صلح آمیز و دوم در بعد نظامی و تسلیحاتی. در بعد صلح آمیز در تولید برق، کشاورزی، پزشکی و غیره، استفاده از انرژی هسته‌ای می‌تواند زندگی بشر را در سایه فناوری متحول کند و برعکس در بعد نظامی و استفاده از آن در تسلیحات می‌تواند زندگی بشر را نابود سازد. همچنین، در پرتو افکار واقع‌گرایانه همچنان این دیدگاه وجود داشت که داشتن سلاح هسته‌ای توسط همه دولت‌ها موجب شکل‌گیری یک توازن قوا خواهد شد که بر این اساس، نظم و امنیت بین‌المللی بهتر حفظ می‌گردد^۱ و هیچ دولتی در صدد استفاده از آن علیه دولت دیگر نخواهد بود، اما قدرت مخرب آن امری بود که مهم‌ترین نگرانی بشر تلقی می‌شد. بر این اساس، تلاش‌هایی در عرصه بین‌المللی به منظور خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز صورت گرفت که با توجه به قدرت مخرب سلاح‌های هسته‌ای بر حیات انسانی و محیط‌زیست این امر با حساسیت بیشتری دنبال شد (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۲۰-۱۹). بر این اساس، محتوی و نظام نوین کنترل تسلیحات عبارت است از الف) تثبیت کاهش یا از میان برداشتن انواع خاصی از تسلیحات، جلوگیری از برخی اقدامات نظامی معین، تنظیم و قانونمندسازی کاربردهای تسلیحات، منع نقل و انتقال اقلام مهم نظامی، کاهش خطر جنگی تصادفی، تحدید کاربرد برخی سلاح‌ها و ابزارهای جنگی در درگیری‌های مسلحانه و اعتمادسازی میان دولت‌ها از طریق شفافیت بیشتر در زمینه‌ها و عرصه‌های نظامی (متیوز و مک کورماک^۲، ۱۹۹۹: ۷۵). بنابراین، وظیفه حقوق بین‌الملل در خصوص استفاده از فناوری هسته‌ای دو امر مهم بود؛ نخست آنکه در خصوص به کارگیری سلاح‌های نامتعارف مانند سلاح‌های هسته‌ای ایجاد ممنوعیت کند و دوم آنکه مشخص کند که دولت‌ها در استفاده از فناوری هسته‌ای دارای چه حقوقی هستند. اگرچه جامعه جهانی در قبال ممنوع‌انگاری آزمایش‌های هسته‌ای، تاکنون اسناد چندی را وضع کرده است، منتها به جهت وجود نارسایی‌ها و ابهام‌های موجود، هنوز تدابیر مزبور به بار ننشسته و ناتمام مانده است (صلاحی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷۷). در این میان، وظیفه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تنها در مسیر به کارگیری انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌جویانه است و با بهره‌گیری از دو نظام نظارتی و تنبیهی تعهدات اعضاء را در مسیر صلح‌جویانه هدایت می‌کند.

۱. اندیشه کسانی چون کنث والتز.

2. Matthews and McCormack

اما همانند سایر اختلافات بین‌المللی ما شاهد بروز اختلافات هسته‌ای در عرصه بین‌المللی هستیم که ضمن بررسی ماهیت این نوع اختلاف به بررسی این امر می‌پردازیم که آیا مذاکره ابزار کارآمدی در حل و فصل اختلافات هسته‌ای است؟ برای این منظور و به‌عنوان مطالع، موردی، به بررسی روند حل و فصل اختلافات هسته‌ای ایران با ۱+۵ از طریق مذاکره خواهیم پرداخت. روش تحقیق استفاده شده، روش اسنادی و کتابخانه‌ای است و منابع مورد استفاده عبارت‌اند از کتب، اسناد بین‌المللی، مقالات و همچنین از فیش برداری به‌عنوان ابزار مطالعه استفاده شده است.

ماهیت اختلافات هسته‌ای

آنچه در شناخت اختلافات هسته‌ای اهمیت دارد، این است که از دو جنبه باید مورد بررسی قرار گیرند؛ نخست از این جنبه که اختلافات هسته‌ای در تفکیک اختلافات داخلی و بین‌المللی و دوم اینکه اختلافات هسته‌ای در تفکیک اختلافات سیاسی و حقوقی در کدام دسته قرار می‌گیرند؟ جایگاه اختلافات هسته‌ای در تفکیک اختلافات داخلی از بین‌المللی: تشخیص اینکه چه اختلافی یک اختلاف بین‌المللی است کاری بس دشوار و خطیر است. در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای (دعوی استرالیا و نیوزلند علیه فرانسه)^۱، دیوان بین‌المللی دادگستری با تکیه بر اظهارات دولت فرانسه مبنی بر قطع آزمایش‌های هسته‌ای نتیجه‌گیری کرد که اختلافی بین اطراف دعوی وجود ندارد (موسی زاده، ۱۳۹۵: ۳۵۹). این امر در قضیه تعهدات در ارتباط با مذاکرات مربوط به توقف رقابت تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای، دعوی جزایر مارشال علیه بریتانیا در سال (۲۰۱۶) نیز تکرار شد و دیوان به این نتیجه رسید که میان جزایر مارشال و دولت‌های بریتانیا، پاکستان و هند اختلافی وجود ندارد که موجبی برای رسیدگی دیوان باشد^۲. بنابراین، لازم است تا مفهوم اختلاف میان طرفین دقیقه تعیین شود تا مشخص شود چه زمانی این امر میان دولت‌ها وجود دارد. در یک تعریف که توسط دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه ماوروماتیس ارائه شده است، اختلاف عبارت است

1. Nuclear Tests (New Zealand v. France) and (Australia v. France), I.C.J Rep, 1974
2. Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom) and (Marshall Islands v. Pakistan) and (Marshall Islands v. India), I.C.J Rep, 2016

از «عدم توافق در خصوص یک مسئله موضوعی یا حکمی یا تعارض دیدگاه‌های حقوقی یا منافع حقوقی»^۱.

هنگامی که یک عدم توافق به سطح اختلاف برسد، آنگاه قوانین بین‌المللی در خصوص حل و فصل اختلاف اعمال خواهد شد. سنگ بنای این قوانین این است که اختلافات باید به‌طور مسالمت‌آمیز حل شود، «به‌گونه‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد» (بارنیج^۲، ۲۰۱۳: ۵۴۶). اما در خصوص اینکه اختلافات هسته‌ای در دسته اختلافات داخلی قرار دارند یا بین‌المللی، ابتدا به ماهیت اختلافات داخلی و بین‌المللی بپردازیم. بند (۳) ماده (۲) منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «کلیهٔ اعضاء اختلافات بین‌المللی خود را با وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیافتد، حل خواهند کرد». در حقیقت با این توصیف، منشور تفکیک میان اختلافات داخلی و بین‌المللی قائل شده است. اگرچه مرز میان آن‌ها را به روشنی بیان نکرده است. شاید بتوان گفت آنگاه که دولت‌ها نسبت به حقوق قانونی متقابل خود با یکدیگر اختلاف دارند، به‌طور مسلم اختلافات، بین‌المللی است. اختلافات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیز بین‌المللی محسوب می‌شود. بنابراین، سازمان‌های بین‌المللی همچون خود سازمان ملل متحد، اتحادیهٔ اروپا و سازمان ناتو نیز باید اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را رعایت کنند (صلح چی و نژندی منش، ۱۳۹۶: ۳۳). در واقع می‌توان گفت اگر اختلاف میان تابعان حقوق بین‌الملل به وجود آید این اختلاف یک اختلاف بین‌المللی است. با این وصف، اختلافات اشخاص با یکدیگر و اشخاص با دولت‌ها اختلافی داخلی محسوب می‌شود. بر این اساس، فارغ از موضوع اگر اختلاف میان دو دولت وجود داشته باشد، اختلاف بین‌المللی محسوب می‌شود. بنابراین، اختلافات هسته‌ای چون میان دولت‌ها با یکدیگر یا دولت‌ها با سازمان‌های بین‌المللی خصوصاً آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا سازمان ملل ایجاد می‌شود. لذا این قسم از اختلافات، در چارچوب اختلافات بین‌المللی می‌گنجد. بنابراین، سازوکار حل و فصل اختلافات هسته‌ای نیز شبیه حل و فصل اختلافات بین‌المللی و از طرق مسالمت‌آمیز مندرج در منشور است.

1. Mavrommatis Palestine Concessions, Judgment No. 2, 1924, P.C.I.J., Series A, No. 2, p. 11

2. Barnidge

جایگاه اختلافات هسته‌ای در تفکیک اختلافات سیاسی از حقوقی: از نگاهی دیگر می‌توان اختلافات را به دو دسته اختلافات حقوقی و سیاسی تقسیم‌بندی کرد. اگرچه در ماده (۳۳) منشور ملل متحد به صراحت به اختلافات حقوقی و سیاسی اشاره نشده، اما نوع بیان ماده نشانگر آن است که می‌توان میان اختلافات قائل به تفکیک شد و براساس روش‌های پیشنهادی در این ماده آن‌ها را به دو دسته اختلافات سیاسی و حقوقی تقسیم کرد. محصول این تقسیم‌بندی، سازوکارهای غیرحقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی است که نتیجه اعمال آن‌ها، ارائه راه‌حل‌های اختیاری و غیرالزام‌آور است. البته حتی وقتی کشورها به سازوکارهای حقوقی بین‌المللی متوسل می‌شوند، باز هم خارج از این فرآیندها درگیر روش‌های دیپلماتیک خواهند بود تا در فرآیند حل اختلاف بیشترین منافع را کسب کنند؛ خصوصاً دولت‌هایی که امید کمی به موفقیت در رسیدگی قضایی دارند (گری^۱، ۲۰۱۷: ۲). از این‌رو، باید گفت حل و فصل اختلافات بین‌المللی هسته‌ای بدون تردید از طریق حقوقی امکان‌پذیر است. این امر از طرح دعاوی در خصوص اختلافات هسته‌ای در دیوان بین‌المللی دادگستری قابل استنباط است. در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای (دعوی استرالیا و نیوزلند علیه فرانسه)، دولت‌های نیوزلند و استرالیا علیه فرانسه به دلیل یک سلسله آزمایش‌های هسته‌ای در جنوب اقیانوس آرام، مدعی اختلاف شده و اقامه دعوی کردند.^۲ همچنین، در قضیه جزایر مارشال، این کشور با طرح دعوی علیه دولت بریتانیا، پاکستان و هند ادعا کرد که آن‌ها از طرق زیر اقدام به نقض تعهدات قراردادی و عرفی خود کرده‌اند؛ نخست، عدم اقدام با حسن نیت نسبت به انجام مذاکرات مربوط به توقف رقابت تسلیحاتی از طریق خلع سلاح هسته‌ای جامع و دوم، نجام اقداماتی برای بهبود سیستم تسلیحات هسته‌ای خود و حفظ آن برای آینده.^۳

در هر دوی این دعاوی، فارغ از اینکه چرا دیوان به اختلاف رسیدگی نکرد، اما امکان طرح

1. Gray

2. Nuclear Tests (New Zealand v. France) and (Australia v. France), I.C.J Rep, 1974

Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms. ۳ Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom) and (Marshall Islands v. Pakistan) and (Marshall Islands v. India), 2016, para 1

دعوی در دیوان و حل اختلاف از طریق سازو کار حقوقی وجود داشت. بند (۲) ماده (۳۶) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اختلافاتی که حقوقی محسوب می‌شوند را احصاء کرده است و اختلافات ناشی از نقض تعهدات قراردادی وفق معاهدات حقوق بین‌الملل خصوصاً معاهدات مرتبط با حقوق هسته‌ای که می‌تواند از موجبات یک اختلاف در معنای حقوقی و در نتیجه صلاحیت‌دار شدن دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی محسوب شود را بیان کرده است. بنابراین، می‌توان گفت اختلافات هسته‌ای می‌تواند دارای ماهیت حقوقی باشد. اما از طرفی، به دلیل اینکه اختلافات هسته‌ای می‌تواند باعث برهم خوردن نظم و امنیت بین‌المللی شود، بنابراین مطابق منشور ملل متحد، ماده (۲۴) شرایط ورود و دخالت شورای امنیت به موضوع را فراهم می‌کند. لازم به ذکر است که شورای امنیت در این خصوص ابتدا باید وفق ماده (۳۹) منشور احرار کند که اختلافات هسته‌ای آیا تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی یا نقض آن یا تجاوز ارضی محسوب می‌شود یا خیر. در صورت احرار هر کدام از موارد فوق شورای امنیت می‌تواند برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اقداماتی را وفق مواد (۴۱) و (۴۲) منشور اتخاذ کند. این امر نشان از ماهیت سیاسی اختلافات هسته‌ای نیز دارد. بنابراین، می‌توان گفت اختلافات هسته‌ای دارای ماهیت دوگانه حقوقی و سیاسی است و بر این اساس، سازو کارهای غیر حقوقی نیز که در ماده (۳۳) منشور آمده است، می‌تواند در حل و فصل اختلافات هسته‌ای کارآمد باشد. در بررسی روش‌های حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق سازو کارهای دیپلماتیک (سیاسی) مشاهده می‌شود که مذاکره قدیمی‌ترین، رایج‌ترین و پر کاربردترین شیوه محسوب می‌شود و از آنجا که موضوع پژوهش ما استفاده از ابزار مذاکره در حل و فصل اختلافات هسته‌ای است، بنابراین به بررسی آن خواهیم پرداخت.

نقش مذاکره در حل و فصل اختلافات هسته‌ای

در بررسی نقش مذاکره در بررسی حل و فصل اختلافات بین‌المللی به مطالعه اهمیت مذاکره، اصول حاکم بر مذاکره و ویژگی‌های مذاکره خواهیم پرداخت تا ضمن شناخت بهتر نسبت به آن، به نقش مذاکره در حل و فصل اختلافات هسته‌ای بیشتر نائل آییم.

اهمیت مذاکره در حل و فصل اختلافات هسته‌ای: در روابط بین‌الملل، مذاکره قدیمی‌ترین شیوه‌ای است که بر مبنای آن طرفین به حل و فصل اختلافات مبادرت می‌کنند. در واقع حتی می‌توان گفت خود حقوق بین‌الملل از مذاکره به وجود آمده است. پس در واقع پیش از ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل، مذاکره ابزاری مؤثر و کارآمد در حل و فصل اختلافات یا ایجاد توافقات بین‌المللی بوده است.

مذاکرات در وهله اول ممکن است برای حل یک مشکل موجود مورد استفاده قرار گیرد و در وهله دوم، برای بسترسازی به‌منظور زمینه‌ایجاد روابط آینده بین دو یا چند دولت. از این‌رو، برتری شیوه مذاکره در حل و فصل اختلافات نمایان می‌شود (گلدبرگ و دیگران^۱، ۱۹۹۲: ۳). هدف از مذاکره، یافتن راه‌حل اختلاف به طریق دوستانه است که در واقع سازشی بین ادعاهای متضاد است. یکی از امتیازات این سازوکار این است که در آن برنده و بازنده‌ای وجود ندارد؛ زیرا طرفین بعضی امتیازات را از مجرای دیپلماتیک به دست می‌آورند (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۳۷). بنابراین، اهمیت مذاکره تنها در حل و فصل اختلافات بین‌المللی دولت‌ها نیست که اهمیت دارد، بلکه در ایجاد و بهبود روابط بین‌المللی دولت‌ها و همچنین تدوین قوانین بین‌المللی در قالب معاهده نقش مهم و منحصر به فردی را ایفاء می‌کند.

طرفین مذاکره ممکن است در موارد مختلفی تضاد منافع داشته و به تبع آن اختلافاتی بر سر توافق احتمالی داشته باشند، اما در یک محدوده، سعی در ایجاد اشتراک نظر در حل اختلاف دارند که اصطلاحاً به آن محدوده احتمالی توافق^۲ گفته می‌شود (اسپانگلر^۳، ۲۰۱۳: ۱۶). برای تعیین اینکه آیا یک محدوده احتمالی توافق وجود دارد یا خیر، هر دو طرف باید علایق و ارزش‌های یکدیگر را بررسی کنند. مذاکره‌کننده باید همیشه در اولین مرحله از آماده‌سازی خود، محدوده احتمالی توافق را در نظر داشته باشد و به‌طور مداوم با پیشرفت مراحل، آن را مکرر اصلاح و تنظیم کند (فیشر^۴، ۲۰۱۱: ۸۱). در واقع، طرفین باید برای رسیدن به یک هدف مشترک تلاش کنند و به دنبال ایجاد منطقه و محدوده‌ای باشند که

1. Goldberg and others
2. Zone of Possible Agreement (Zopa)
3. Spangler
4. Fisher

حداقل، برخی از ایده‌های هر طرف را در برگیرد. در این حالت می‌توان امید داشت که مذاکرات منجر به یک سازش و توافقی شود که منافع هر دو طرف را تأمین کند.

اصول حاکم بر مذاکره: مذاکرات برای آنکه صحیح و در چارچوبی معین انجام شود، توسط برخی اصول محدود شده است. به عبارت دیگر، طرفین یک مذاکره باید اصولی را برای انجام مذاکره مطلوب مدنظر قرار دهند که برای آن‌ها نوعی محدودیت محسوب می‌شود. برای تبیین بهتر مطلب در ذیل به‌طور مختصر برخی از این اصول را بررسی می‌کنیم.

- **احترام به اصل حاکمیت اراده:** اصل آزادی و حاکمیت اراده امروزه مورد تأیید تمامی حقوق‌دانان و قانون‌گذاران جهان است، به طوری که طرفداران اراده‌ظاهری نیز به این امر اذعان دارند. همان‌طور که می‌دانیم قرارداد محصول توافق دو اراده‌ مستقل و آزاد است.

آزادی در مذاکرات به معنای آن است که طرفین یک اختلاف در پذیرش یا رد موضوعات مورد مذاکره، آزادی کامل دارند و چنانچه امری مخالف منافع آن‌ها باشند می‌توانند آن را نپذیرند (گازمن^۱، ۲۰۱۱: ۷۵۴). به‌علاوه دارای ضمانت اجرای مشخصی نیز است. بر این اساس، هر قراردادی که با نقض اصل حاکمیت اراده منعقد شود، از درجه اعتبار حقوقی ساقط است (یی^۲، ۲۰۱۵: ۱۶۵). ضمن آنکه سازمان ملل نیز در قطعنامه‌های خود توسل به ماده (۳۳) را با لحاظ بند (۱) ماده (۲) منشور صحیح و معتبر می‌داند.

- **رعایت اصل حسن نیت:** حسن نیت به‌عنوان یکی از مفاهیم مرتبط با اخلاق و ارزشی اجتماعی است. اجتماعی بودن از این حیث که نمی‌توان جامعه‌ای را پیدا کرد که در آن حسن نیت داشتن، نه یک ارزش، بلکه ضد ارزش باشد. در جامعه‌ای که حسن نیت حاکم است تنظیم روابط حقوقی، مطمئن‌تر، ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود (حاجی پور، ۱۳۹۵: ۲). همچنین، از آنجا که مذاکره یکی از روش‌هایی است که نتیجه‌ اعمال آن پیشنهادها و راه‌حل‌های اختیاری و غیر الزامی است، بنابراین موفقیت مذاکرات تا حدود زیادی منوط به اراده و حسن نیت طرفین در حل اختلافات خود و همچنین برابری امکانات و نیروهای سیاسی یکدیگر است (صلح‌چی و نژندی منش، ۱۳۹۶: ۶۱).

1. Guzman

2. Yee

در مذاکره‌ای که حسن نیت میان طرف‌ها نباشد، اساساً اعتمادی نیز وجود ندارد. بنابراین، امیدی به حل اختلاف از این طریق نیست. در حقیقت، حل و فصل اختلاف از طریق روش‌هایی که الزام به آن تنها به اراده طرفین اختلاف بستگی دارد، هیچ تضمینی بالاتر از حسن نیت طرفین نمی‌تواند در آن مؤثر باشد.

- رعایت اصل انصاف: ارتباط میان حقوق و انصاف امری بحث‌برانگیز بوده و قدمت آن به دوران باستان بازمی‌گردد. انصاف امری است که هم در تصمیمات قضات مدنظر بوده و هم در وضع قوانین و به‌طور سنتی عدالت به‌نوعی با رفتار منصفانه سنجیده می‌شده است (لاپیدوت^۱، ۱۹۸۷: ۱۳۸).

انصاف حتی در محدوده زبان حقوقی نیز یک مفهوم چندوجهی است. در معنای عمومی آن، به آنچه در اجرای عادلانه و معقول است، اشاره دارد؛ مفهومی که در حقوق روم با اصطلاح آکویناس بیان می‌شود. به معنای تخصصی و فنی‌تر در حقوق بین‌الملل، انصاف اشاره دارد به قدرت اعطاشده به دیوان بین‌المللی دادگستری تحت ماده (۳۸) و (۲) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری یا سایر دادگاه‌های بین‌المللی برای تصمیم‌گیری و حل و فصل اختلافات بدون نیاز به اجرای قوانین (فرانسیون^۲، ۲۰۱۳: ۲).

قضات دیوان نیز در نظرات جداگانه خود به مناسبت‌های مختلف، مفهوم انصاف را مورد بحث و استناد قرار داده‌اند. دیوان بین‌المللی دادگستری، با استفاده از ظرفیت قاعده‌سازی اصل انصاف در حل و فصل دعاوی، نقش مؤثری در عینیت‌یافتن برخی از مصادیق انصاف در حقوق بین‌الملل داشته و در فرایند تفسیر، گاه از اصل کلی انصاف، استنباط‌های اثرگذاری انجام داده که در فهم محتوای انصاف و معیارهای حقوقی آن راهگشاست (محبی و امینی، ۱۳۹۳: ۱). بر این اساس، هرگاه مذاکرات میان طرفین بدون رعایت اصل انصاف باشد و منجر به تحقق یک توافق بین‌المللی شود، اما در راستای تفسیر یا اجرای آن طرفین دچار اختلاف شوند و برای حل اختلاف راه حل حقوقی را برگزینند، قاضی یا داور بین‌المللی به موضوع انصاف نیز در شکل‌گیری این توافق توجه خواهد داشت.

1. Lapidot

2. Francioni

البته آنچه در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان از آن یاد می‌کنند، «اصل صلاح و صوابدید» است و نه به‌طور دقیق اصل انصاف. در مجموع به نظر می‌رسد اصل انصاف دارای مفهومی وسیع‌تر و گسترده‌تر از اصل صلاح و صوابدید است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۱۸۵). بر این مبنا، می‌توان گفت بر مذاکره کارآمد و مؤثر و معتبر، اصول و محدودیت‌هایی حاکم است که طرفین اختلاف یا توافق باید در فرآیند مذاکره آن را مدنظر قرار دهند. بنابراین، مذاکره زمانی کارآمدی لازم را دارد که با در نظر گرفتن اصول فوق اعمال شود و طرفین مذاکره ملزم به انجام مذاکره و رسیدن به توافق برای حل و فصل اختلاف در چارچوب این اصول باشند.

ویژگی‌های مذاکره: مذاکره نه تنها به‌طور مستقل روشی کارآمد در حل و فصل اختلافات بین‌المللی است، بلکه در سایر روش‌ها مانند میانجیگری، مساعی جمیله و کمیسیون سازش نیز به نحوی کارآمد و مؤثر است. همچنین، در مورد داوری و رجوع اختلاف به محکمه بین‌المللی نیز توافق در این خصوص لازم است که مذاکره پیش شرط و وسیله این توافق است. بنابراین، ویژگی‌های مذاکره را می‌توان این‌گونه بیان کرد که الف) هم به‌طور مستقل روشی کارآمد در حل و فصل اختلافات بین‌المللی است و هم نقشی مهم در توسل به سایر روش‌ها دارد. ب) چانه‌زنی در مذاکره کمک می‌کند تا دولت‌ها بتوانند در فرآیند حل اختلاف یا توافق، منافع مدنظر را به دست آورند؛ برخلاف روش‌های حقوقی (ترافعی) که یا حکم به نفع خواهان داده می‌شود یا خواننده و محکوم‌علیه هیچ منافی نخواهد داشت. پ) همچنین، در روش مذاکره، مذاکره‌کننده نقشی مهم و اساسی دارد.

در بیان ویژگی‌های مذاکره‌کننده باید گفت که مذاکره به‌طور کلی به‌عنوان فرایندی مفهوم‌ساز است که در آن مذاکره‌کننده در یک نوع ارتباط خاص قرار می‌گیرد و در تلاش است تا به تعاملی دست یابد که ضمن توافق، تأمین‌کننده منافع او نیز باشد (هیل و راس، ۱۹۸۴: ۱۹۷). بر این اساس، لازم است تا مذاکره‌کننده نه تنها در زمینه‌های مختلف دارای تخصص باشد، بلکه از هوش، فن بیان و کلام برخوردار بوده و بتواند در وضعیت‌های مختلف واکنش صحیح و منطقی نشان دهد. به‌علاوه علت اختلاف یا هدف توافق را مدنظر قرار داده تا بتواند

بیش‌ترین منافع و امتیاز را در مذاکره از آن خود کند (خیائوشی و خئوری^۱، ۲۰۰۴: ۳۲). رجوع به مذاکره در اسناد مختلف، اهمیت این شیوه را در حل اختلاف نشان می‌دهد؛ به‌خصوص در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل که این امر نشان از کارآمدی مذاکره در حل و فصل اختلافات مختلف به‌ویژه در حل و فصل اختلافات هسته‌ای دارد.

دیوان در قضیه فلات قاره دریای شمال، اختلاف ارجاع شده میان آلمان و دانمارک و آلمان و هلند بر این عقیده بود که طرفین اختلاف باید از طریق مذاکره به توافق برسند. دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص مقرر داشت: «طرفین متعهد هستند تا به‌گونه‌ای عمل کنند که مذاکرات سازنده باشد، نه اینکه هر یک از طرفین بر موضع خود پافشاری کند بدون اینکه در آن تغییری دهد»^۲.

اما دکترین قدرت هنوز نیز حرف اول را در روابط میان دولت‌ها زده و بر این اساس، دولت‌ها توازن قوا را همچنان عاملی برای صلح می‌دانند. بنابراین، برای کسب قدرت هسته‌ای، دولت‌های غیر برخوردار تلاش دارند تا دستاورد بیشتری داشته و حداقل در ردیف دولت‌های برخوردار قرار گیرند. برخی نظریه‌پردازان از جمله کنث والتز معتقدند که این روش موجب توازن قوا و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی خواهد شد. بدین معنا که ضمانت اجرای عدم استفاده از سلاح اتمی اقدام متقابل باشد. در نگاه والتز، تحصیل اتم از سوی کشورهای کوچک، دنیا را ویران نمی‌کند. برای والتز خطر از ناحیه کشورهای کوچک نیست، بلکه این قدرت‌های هسته‌ای دیرین هستند که نظام بین‌الملل را تهدید می‌کنند. ولی در مورد اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نیز معتقد است که کشورهای کوچک باید به تدریج سلاح هسته‌ای به دست آورند (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۳۴). این امر در قالب قدرت سخت قابل بیان است. اما امروزه دیدگاه دیگری مطرح است که قدرت نظامی که قدرت هسته‌ای نیز بخشی از آن است دیگر تنها شکل قدرت محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، آنچه در قالب توازن قوا مطرح می‌شود صرفاً معطوف به حقوق سخت نیست، بلکه قدرت نرم را نیز شامل می‌شود (اسمیت، ۱۳۹۴: ۶۰). اما امروزه در گفتمان

1. Xiaoshi and Xuerui

2. North Sea Continental shelf, ICJ Reports(1969), 3, at 47.

دولت‌ها، قدرت هسته‌ای بخشی از منافع ملی و اساسی تلقی می‌شود. بنابراین، با تعریف آن در این قالب، دسترسی به آن را بخشی از منافع ملی تلقی می‌کنند. البته ممکن است در یک زمان، هدفی خاص به‌عنوان منافع ملی و اساسی تلقی شود و برعکس در همان زمان، هدف دیگری به‌عنوان منافع ملی تلقی نشود (پیری، ۱۳۹۲: ۶۱).

این امر حاکی از آن است که دولت‌ها در تعیین منافع ملی از اختیارات صلاح‌دیدی برخوردارند. به‌علاوه دولت‌ها خود تعیین می‌کنند که در صورت به خطر افتادن منافع ملی آن‌ها، چه ابزاری قادر به تأمین کردن آن است. در اختلافات هسته‌ای ممکن است دولتی به این یقین برسد که عضویت در یک معاهده‌ای مانند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و عمل به تعهدات ناشی از این معاهده، مخالف منافع ملی و اساسی آن دولت است؛ مانند دولت کره شمالی که پس از عضویت در این معاهده برای حفظ منافع ملی خود تصمیم به خروج از این معاهده گرفت یا برخی دولت‌های دیگر، اساساً پیوستن به چنین معاهده‌ای را مخالف منافع ملی خود بدانند؛ مانند دولت‌های پاکستان و هند که هیچگاه معاهده مذکور را امضاء نکرده‌اند.

حل و فصل اختلافات هسته‌ای ایران

در بررسی ماهیت اختلافات هسته‌ای به مطالعه یک اختلاف مهم در این خصوص یعنی اختلاف ایران و ۱+۵ خواهیم پرداخت و به این مسئله می‌پردازیم که آیا استفاده از ظرفیت‌های مذاکره توانست در حل این اختلاف مفید واقع شود؟

ریشه اختلافات هسته‌ای ایران: آنچه در خصوص حقوق هسته‌ای ایران موجب بروز اختلافاتی شد، عبارت از یک سری نگرانی بین‌المللی بدون بیان چارچوب مشخص برای این نگرانی مبنی بر نقض تعهدات هسته‌ای ایران بود. در حقیقت دولت‌های طرف اختلاف ایران ادعا کردند که عدم رعایت تعهدات هسته‌ای توسط ایران موجب بروز نگرانی‌هایی در تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی شده است. به دنبال انتشار گزارش ماه‌های ژوئن و اوت ۲۰۰۳ مدیرکل آژانس، شورای حکام طی اولین قطعنامه خود، به تردیدهایی در مورد ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران دامن زدند که از آن روز به بعد نگرانی جامعه بین‌المللی قلمداد شد (سادات میدانی، ۱۳۹۵: ۲۲۰).

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بنا به دلایلی که در قطعنامه‌های صادره عنوان کردند، وضعیت هسته‌ای ایران را به شورای امنیت گزارش دادند. در یکی از قطعنامه‌های شورای حکام آژانس، ضمن تأکید بر قطعنامه‌های پیشین شورای حکام و گزارش‌های دبیر کل آژانس و همچنین با تأکید مجدد بر ماده چهار معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۱ و همچنین با اعلام اینکه براساس گزارش‌های مدیر کل آژانس بعد از گذشت تقریباً سه سال از فعالیت‌های ایران، آژانس هنوز در موقعیتی نیست که بتواند برخی از موضوعات مهم مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را روشن کند یا نتیجه بگیرد که هیچ موردی وجود ندارد. به علاوه با بیان اینکه با یادآوری بسیاری از ناکامی‌های ایران و نقض تعهدات این کشور در انطباق با توافقنامه پادمانی ان.پی.تی و عدم اطمینان به اینکه برنامه هسته‌ای ایران منحصراً برای مقاصد صلح‌آمیز است. همچنین، با اشاره به قطعنامه‌های پیشین شورای حکام^۲ در مورد پیگیری گزارش‌هایی مبنی بر فعالیت‌های هسته‌ای در مناطق نظامی اشاره می‌کند و در ادامه این قطعنامه به حل موضوع از طریق توسل به یک راه‌حل دیپلماتیک برای مسئله هسته‌ای ایران تأکید داشته و عنوان می‌دارد، راه‌حل مسئله ایران می‌تواند به تلاش‌های جهانی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تحقق هدف خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های کشتار جمعی کمک کند. در این قطعنامه، شورای حکام ضمن تعلیق کامل و پایدار کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی، از جمله تحقیق و توسعه از ایران انجام اقداماتی را خواستار می‌شود و مدیر کل تقاضا می‌کند که این امر را به شورای امنیت سازمان ملل گزارش کند.^۳

این امر زمانی توسط شورای حکام به اطلاع شورای امنیت رسید که اعلام داشت علی‌رغم تماس‌های مکرر شورای حکام مبنی بر حفظ تعلیق کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی که شورای حکام برای رسیدگی به موضوعات مهم در این خصوص ضروری اعلام کرده است، ایران فعالیت‌های تبدیل اورانیوم را در ۸ آگوست ۲۰۰۵ در تأسیسات اصفهان از سر گرفته

۱. ماده (۴) مقرر می‌دارد: «هیچ نکته‌ای در این پیمان نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حق مسلم هم‌پیمانان در انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را تحت تأثیر قرار دهد. این امر باید بدون اعمال تبعیض و در مطابقت با مواد ۱ و ۲ این پیمان باشد.»

2. (GOV / 2005/6)7 and (GOV / 2005/87)

3. GOV/2006/14

است و در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۶ نیز برای از سرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی گام برمی‌دارد.^۱ شورای امنیت نیز در واکنش با صدور قطعنامه‌های متعدد، ضمن بیان اینکه ایران باید خواسته‌های شورای حکام آژانس را اعمال کند، اقدام به اعمال تحریم‌هایی علیه ایران کردند. در قطعنامه (۱۷۳۷) شورای امنیت ضمن تأکید بر مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و همچنین اظهار نگرانی آژانس از فعالیت‌های هسته‌ای ایران و بیان مفاد قطعنامه مذکور شورای حکام آژانس و تأکید بر نگرانی جدی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش‌های خود^۲ و عدم پایبندی به قطعنامه شورای امنیت (۱۶۹۶)، شورای امنیت^۳ براساس اختیارات خود وفق ماده (۴۱) منشور، تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال می‌کند.^۴ این امر در سایر قطعنامه‌های صادره علیه ایران نیز اعمال شد.^۵

علاوه بر این، از سال ۲۰۰۴ و همزمان با شروع مناقشه هسته‌ای، اتحادیه اروپا تا حد زیادی رویکرد تعامل سازنده با ایران را کنار گذاشت و در عوض سه کشور انگلستان، آلمان و فرانسه خود را با سیاست بازدارندگی^۶ و مهار^۷ ایالات متحده آمریکا در قبال ایران همسو کردند (صبغیان و احمد بیگی، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

با این شرایط، اختلافات ایران در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای افزایش یافت و به تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های اتحادیه اروپا و تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا را که به مراتب سخت‌تر از تحریم‌های شورای امنیت بود، هم اضافه شد.

نقش مذاکره در حل و فصل اختلافات هسته‌ای ایران: مذاکره مهم‌ترین ابزاری بود که در مذاکرات ناشی از اختلافات هسته‌ای میان ایران و شش دولت دیگر طرف اختلاف مورد استفاده قرار گرفت و با آنکه حصول توافق براساس آن به لحاظ زمانی طولانی شد، اما همچنان

1 . GOV/2006/14, P. 3

2 . (GOV/2006/15) and (GOV/2006/27) and (GOV/2006/38) and (GOV/2006/53) and (GOV/2006/64)

3 . S/RES/1696

4 . S/RES/1737

5 . S/RES/1447, 1803, 1929

6 . deterrence

7 . containment

روند حل و فصل اختلاف بر مبنای آن پیش رفت. فارغ از ویژگی‌های مذاکره که پیش‌تر بیان شد، یکی از مهم‌ترین دلایلی که مذاکره به‌عنوان ابزاری مفید در حل و فصل اختلافات هسته‌ای برگزیده شد، امکان تمرکز بر منافع طرفین مذاکره بود. طرح موضوع در شورای امنیت و پیوند آن با موضوع صلح و امنیت بین‌المللی، ایران را بر آن داشت تا با صاحبان قدرت یعنی اعضای دائم شورای امنیت به توافق برسد تا بر این مبنای ساینده تحریم را از سر کشور کم کند و البته برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نیز پیگیری شود که در بررسی سیاست‌های ایران در هر دوره از مذاکرات این اهداف قابل‌رؤیت است. در دوره اول که مصادف بود با ریاست جمهوری محمد خاتمی و ریاست حسن روحانی بر کرسی شورای عالی امنیت ملی (۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴)، سیاست ایران در طول مذاکرات مبتنی بود بر اعتمادسازی، تنش‌زدایی و همچنین همکاری با اروپا و جلب اعتماد جامعه جهانی با هدف خارج کردن پرونده ایران از شورای امنیت. بر این اساس، تیم مذاکره‌کننده^۱ نیز تعیین شد. دستاورد ایران از این مذاکرات نیز بیانیه سعدآباد و موافقت‌نامه بروکسل و پس از آن توافق‌نامه پاریس بود که میان ایران و سه کشور فرانسه، بریتانیا و آلمان به امضاء رسید.

در بیانیه سعدآباد، ایران با تأکید بر اینکه سلاح هسته‌ای در دکترین دفاعی ایران جایی ندارد و برنامه و فعالیت‌های هسته‌ای ایران صرفاً در زمینه صلح‌آمیز بوده است و عنوان کردند که دولت ایران ضمن شفاف‌سازی فعالیت‌ها، تصمیم گرفته است که با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل کند و به‌علاوه دولت ایران تصمیم دارد پروتکل الحاقی را امضاء و فرایند تصویب را آغاز کند و همچنین دولت ایران در حالی که در چارچوب نظام عدم گسترش حق دارد، انرژی هسته‌ای را برای اهداف صلح‌آمیز توسعه دهد، داوطلبانه تصمیم گرفته است که همه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و بازفرآوری را به صورتی که آژانس تعریف می‌کند، تعلیق کند (ماده ۲ بیانیه سعدآباد).

در دوره دوم مذاکرات که در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژادی و دوران تصدی علی لاریجانی بر ریاست شورای عالی امنیت ملی (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) بود، سیاست ایران در

۱. اعضای تیم مذاکره‌کننده ایران در دوره اول: محمدجواد ظریف، سیروس نصری، امیرحسین زمانی‌نیا، محمدرضا البرزی، علی‌اکبر صالحی، محمد سعیدی، مجید تخت‌روانچی، علی ماجدی

مذاکرات عبارت بود از مقاومت در برابر طرف‌های مذاکره مبنی بر عدم تعلیق غنی‌سازی و رویکرد ایران به سمت روسیه و چین برای تحت‌الشعاع قرار دادن پرونده ایران در شورای امنیت. بنابراین، تغییر رویکرد ایران در تیم مذاکره‌کننده^۱ و سیاست و هدف ایران از مذاکره عاملی بود که موجب تغییر فضا و دستاوردهای مذاکره شد. این رویکرد برای ایران دستاوردی به همراه نداشت و در مقابل طرف‌های اروپایی با هدف تضمین اقتدار قطعنامه‌های شورای حکام اعلام داشتند که موضوع به شورای امنیت ارجاع شود.^۲ این امر موجب طرح موضوع در شورای امنیت و اعمال تحریم‌های جدید شورای امنیت علیه ایران شد. بر این اساس، ایران نیز اعلام داشت که کلیه اقدامات داوطلبانه خود را به حالت تعلیق در می‌آورد.

در دوره سوم مذاکرات، سیاست ایران همچنان مقاومت در برابر خواسته‌های شورای امنیت و ادامه تعلیق اقدامات داوطلبانه بود و همچنین به دستور محمود احمدی‌نژاد - ریاست جمهوری وقت - آغاز غنی‌سازی اورانیوم با خلوص ۲۰ درصدی آغاز شد. در این دوره (۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲)، شاهد تغییر ریاست شورای امنیت ملی (سعید جلیلی) و تیم مذاکره‌کننده^۳ براساس رویکرد مذکور بودیم. در این دوره از مذاکرات، شاهد توافق ژنو (۱۳۸۸) و توافق تهران (۱۳۸۹) هستیم. مطابق این توافقات، ایران درخواست آژانس برای بازرسی از تأسیسات قم را پذیرفت و با پیشنهاد تبادل سوخت موافقت کرد (توافق ژنو، ۱۳۸۸). همچنین، موافقت خود را برای مبادله اورانیوم با غلظت پایین با اورانیوم غنی شده به‌عنوان سوخت راکتور تهران اعلام کرد (توافق تهران، ۱۳۸۹). البته به دلیل شدت اختلاف میان طرفین، شاهد صدور قطعنامه‌های^۴ شورای امنیت علیه ایران هستیم که در آن‌ها شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران اعمال شد. اینکه در این دور از مذاکرات، ایران نتوانست به اهداف اصلی خود دست یابد و شاهد تحریم‌های بیشتر هستیم، به دلیل ناکارآمدی ابزار مذاکره نیست، بلکه به دلیل تقابل دو سیاست متناقض طرفین اختلاف و عدم توازن قوا میان طرفین اختلاف و همچنین قدرت

۱. اعضاء تیم مذاکره‌کننده در دوره دوم: سید علی حسینی تاش، محمد مهدی آخوندزاده، محمد جعفری، عباس عراقچی، کاظم غریب‌آبادی، محمد سعیدی.

2. INFCIR/662, 18 January 2006

۳. تیم مذاکره‌کننده ایران در دوره سوم: علی اصغر سلطانی، محمد هادی زاهدی وفا، مهدی صفری، عباس عراقچی، مهدی محمدی، محمد جمشیدی.

4. S/RES/1803, 1835, 1929

بیشتر طرف غربی به دلیل عضویت آن‌ها در شورای امنیت بود. البته اتفاقات دیگری مانند ترور دانشمندان هسته‌ای ایران^۱ و همچنین حمله سایبری^۲ به نیروگاه نطنز نیز در این دوران در ادامه این سیاست ایران نقش عمده‌ای داشت.

سیاست ایران در دوره چهارم مذاکرات هسته‌ای که در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴) بود، رویکردی متفاوت از سابق داشت. لذا ضمن تغییر نهاد مسئول^۳ و تیم مذاکره‌کننده^۴، سیاست ایران نیز تغییر کرد و برای رسیدن به اهداف مهمی که از ابتدا در پیش داشت یعنی ضمن به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران، تحریم‌های اعمال شده علیه ایران نیز لغو شد؛ یعنی گام آخر و رسیدن به اهداف اصلی که اساس مذاکرات ایران و طرف‌های غربی بود. دستاورد ایران از این دوره از مذاکرات نخست توافق موقت ژنو (۱۳۹۲) بود که وفق آن ایران تعهداتی را از قبیل توقف غنی‌سازی بیش از ۲۰ درصد، امکان بازرسی روزانه آژانس، عدم به‌کارگیری برخی سانتریفیوژها و غیره پذیرفت.^۵ دوم، توافق جامع وین تحت عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۶ در قالب قطعنامه^۷ شورای امنیت است.

اما سؤال اصلی و اساسی اینجاست که آیا مذاکره توانست تأمین‌کننده اهداف مذکور تحت توافقات صورت گرفته در قالب برجام باشد؟ لذا به این موضوع می‌پردازیم که آیا توافق برجام در انطباق با اصول اساسی حاکم بر مذاکرات بوده است؟

توافق برجام در انطباق با اصول حاکم بر مذاکره: آنچه در قالب اصول حاکم بر مذاکره بیان شد، در واقع محدودیت‌هایی است که طرفین مذاکره برای آنکه به توافقی رضایت‌بخش دست یابند، باید مدنظر قرار دهند. اینکه اساساً مذاکره به توافقی منجر شود، به‌طور کلی

۱. شهیدان شهید مجید شهریاری، مصطفی احمدی روشن، مسعود علیمحمدی و داریوش رضایی‌نژاد.

۲. ویروس استاکس‌نت.

۳. مسئولیت مذاکرات از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه محول شد و بر این اساس، مسئولیت مذاکرات به عهده محمدجواد ظریف به‌عنوان وزیر امور خارجه قرار گرفت.

۴. مجید تخت‌روانچی، حسین فریدون، حمید بعیدی‌نژاد، داوود محمدنیا، محمد امیری، پژمان رحیمیان، امیرحسین زمانی‌نیا، جمشید ممتاز، امیرحسین رنجبریان، علی‌اکبر صالحی

5. Joint plan of action Geneva (2013)

6. Joint Comprehensive Plan of Action (2015)

7. S/RES/2231

نمی‌تواند دلیلی بر مفید بودن مذاکره در حل و فصل اختلافات بین‌المللی خصوصاً اختلافات هسته‌ای باشد. بلکه مذاکره زمانی ابزاری کارآمد محسوب می‌شود که منجر به توافقی شود که تأمین‌کننده منافع هر دو طرف مذاکره باشد.

- **عدم رعایت اصل حاکمیت اراده در برجام:** آنچه در فرآیند مذاکره حائز اهمیت است احترام به اصل حاکمیت اراده است. مذاکره‌ای که با خدشه بر اراده هر طرف منتهی به نتیجه شود، با ویژگی‌های مذاکره که مبتنی بر اصل آزادی اراده در حصول توافقات بین‌المللی است در تضاد است. الگوی کنش راهبردی آمریکا در فرایند برنامه جامع اقدام مشترک مبتنی بر نشانه‌هایی از دیپلماسی اجبار برای محدودسازی قدرت راهبردی ایران بوده است. روندهای مدیریت بحران در روابط ایران با کشورهای ۱+۵ بر اساس نشانه‌هایی از دیپلماسی هسته‌ای شکل گرفته است. چنین فرایندی نتوانست اهداف راهبردی آمریکا را تأمین کند. خروج دونالد ترامپ از برجام، نشانه چنین وضعیتی است (طباطبایی و ذوالقدرنیا، ۱۳۹۷: ۲).

اگرچه رفع تحریم‌ها، حل مشکلات اقتصادی و همچنین پیشرفت علمی کشور به‌عنوان مهم‌ترین هدف‌های مذاکرات هسته‌ای مطرح شده بود، اما پیشگیری از موضوع جنگ نیز به‌عنوان هدفی دیگر از سوی دکتر روحانی مطرح شد.^۱ در بررسی برجام مشاهده می‌شود که این سند ظرفیتی نداشت که بتواند جلوی جنگ را بگیرد (صلاحی، ۱۳۹۹: ۴۳۶). در واقع، تهدید به جنگ تنها ابزار تحت فشار قرار دادن ایران برای ادامه مذاکره و پذیرش توافقی بود که در نهایت تأمین‌کننده اهداف مورد نظر نبود. به‌علاوه از آنجا که این سند به‌عنوان یک معاهده تنظیم نشده و حتی در قالب یک توافق بین‌المللی نیز در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت نرسید. لذا مطابق بند (۲) ماده (۱۰۲) منشور، قابلیت استناد در برابر سایر ارکان ملل متحد را نداشت. نهایت اینکه اصرار آمریکایی‌ها مبنی بر پذیرش محرومیت دائمی از حق غنی‌سازی از سوی ایران که به‌عنوان یکی از دلایل خروج خود از برجام مطرح کردند، نشانگر این واقعیت است که در مذاکره فوق، اهداف مشترکی وجود نداشت، بلکه آمریکایی‌ها در صدد آن بودند که از طریق فشار و ایجاد رعب به اهداف خود برسند.

- **عدم رعایت اصل حسن نیت در برجام:** آنچه در خصوص ماده (۳۳) منشور ملل متحد و

۱. توانستیم سایه شوم جنگ را برداریم (۱۳۹۴).

استفاده از ابزار مذاکره می‌توان عنوان کرد این است که سازوکار پیش‌بینی شده در این ماده، زمانی کارآمد است که طرفین مذاکره دارای حسن نیت باشند. مذاکرات برجام و ضمیمه‌های آن نشان از این امر دارد که دولت آمریکا به دنبال فشار بر ایران به منظور تخلیه ایران از منابع قدرت بود. فشارهای آمریکا همواره بخشی از واقعیت‌های دیپلماسی اجبار را منعکس می‌سازد. چنین روندی در فرایند دیپلماسی هسته‌ای ایران مورد توجه قرار نگرفت (ژونر^۱، ۲۰۱۶: ۱۰۸). قدرت‌های استعماری به خصوص آمریکا بر این باور هستند که در صورت عقب‌نشینی ایران از حقوق هسته‌ای خود که مانع مهم دستیابی به استقلال و پیشرفت در حوزه‌های گوناگون خواهد بود، آنگاه می‌توانند خواسته‌های خود را یکی بعد از دیگری بر ایران دیکته کنند^۲ (صلاحی، ۱۳۹۹، ۴۵۰). رویکردی که از ابتدا با عدم حسن نیت در مذاکرات همراه بود اگرچه تلاش شد تا نیت اصلی آمریکا مخفی بماند، اما در مراحل بعدی و به سرعت ماهیت پلید خود را فاش کرد. آنچه همواره مدنظر مقام معظم رهبری بود و تأکید بر بدعهدی و پیمان شکنی آمریکا داشتند. بنابراین، می‌توان گفت مذاکره زمانی که با حسن نیت همراه نباشد، نمی‌تواند موجبات تحقق اهداف مدنظر را فراهم سازد.

- **عدم رعایت اصل انصاف در برجام:** آنچه هدف از مذاکرات برای ایران در طول این سال‌ها بود، امکان برخورداری از فناوری هسته‌ای و لغو تحریم‌های ظالمانه بود، به نحوی که منافع ایران به‌طور کامل تأمین شود. این امر با اصل انصاف که اصلی پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است، منطبق است؛ زیرا میان تعهدات ایران و منافعی که از مذاکرات به دست آورده باید، توازنی منطقی حاکم باشد تا در قضاوت عرف، انصاف رعایت شده باشد. اما در بررسی توافق برجام ملاحظه می‌شود که نه تنها منافع ایران تأمین نشده، بلکه اصل انصاف نیز رعایت نشده است.

در برنامه جامع اقدام مشترک، محدودیت‌هایی اعمال شده که با توجه به هدف برنامه به دنبال تضمین استفاده از برنامه هسته‌ای ایران برای اهداف کاملاً صلح‌آمیز در ازای برداشتن

1. Joyner

۲. جان کری وزیر امور خارجه وقت دولت آمریکا اظهار داشته بود: آن‌ها در نظر داشتند که از توافقنامه برجام به‌عنوان اهرم فشاری برای وادار کردن ایران به امتیازدهی در موضوعات دیگر از جمله در مسائل موشکی و منطقه‌ای استفاده کنند.

تحریم‌های گسترده ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد بر علیه ایران بود (کرو و کاتزمن^۱، ۲۰۱۸: ۳). اما نادیده گرفتن الگوهای سیاست بین‌الملل که مبتنی بر نشانه‌هایی از آنا‌رشی است، زمینه‌های تداوم تحریم‌های اقتصادی و راهبردی علیه ایران را به وجود آورد. برنامه جامع اقدام مشترک، بیش‌ترین امتیازات راهبردی را برای اروپا به وجود آورد، به گونه‌ای که مطالبات ایران که معطوف به پایان تحریم‌های اقتصادی بود، علی‌رغم برچینش هسته‌ای داوطلبانه، مغفول باقی ماند (چرکای^۲، ۲۰۱۸: ۶).

از مطالعه در متن برجام نیز ملاحظه می‌شود که فقط بخشی از تحریم‌های آمریکا لغو یا تعلیق شد و هیچ نشانه‌ای از لغو همه تحریم‌ها حتی روی کاغذ هم وجود ندارد. به عبارت دیگر، اگر آمریکا از برجام خارج نمی‌شد، کاهش تحریم‌های آمریکا فقط شامل برخی تحریم‌های ثانویه علیه ایران می‌شد و تحریم‌های اولیه ایران به‌طور کامل دست‌نخورده باقی می‌ماند. به‌علاوه برای آمریکا این امکان وجود داشت تا در دوره پس‌اوبرجام بدون نقض برجام، قانون تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع کند^۳ (صلاحی، ۱۳۹۹: ۳۹۵-۳۹۴). همچنین، دستاوردهایی که ذیل برجام وعده انجام آن داده شده بود، مانند رونق سرمایه‌گذاری خارجی نیز محقق نشد.^۴ به‌علاوه علی‌رغم اعلان مکرر آژانس انرژی اتمی مبنی بر پایبندی ایران به تعهدات خود تأثیری بر تصمیم آمریکا نداشت و ضمن مخالفت همه طرف‌های برجام از آن خارج و به اعمال مجدد تحریم‌ها اقدام کرد. آنچه حائز اهمیت است این است مذاکره‌ای خوب است که هر طرف در صورت نقض تعهدات خود، چیزی از دست بدهد. اما در برجام آمریکا بدون توجه به تعهدات خود ذیل برجام، مکرر مرتکب نقض برجام شد، بدون آنکه ضمانت اجرایی متوجه اقدام این دولت باشد. همچنین، با توجه به فضای آنا‌رشیکی موجود بر عرصه بین‌المللی سیاست مبتنی

1 . Kerr and Katzman

2 . Cherkaoui

۳. نیامدن بخش (۱۲۴۵) سیسادا (تحریم تراکنش‌های بانکی مربوط به فروش نفت خام ایران)، بند (۱۲۴۸) سیسادا (شامل تحریم مؤسسات مالی غیرآمریکایی که با ایران تراکنش نفتی دارند)، بخش (۲۱۷) قانون تحریمی TRA (شامل مسدود شدن تمام دارایی‌ها و اموال مؤسسات مالی ایران با تأکید بر بانک مرکزی) و بخش ۵۰۴ قانون تحریمی TRA که به بلوکه شدن درآمدهای نفتی ایران اشاره دارد و غیره.

۴. در سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ و شش‌ماهه ۱۳۹۸ به ترتیب به رقمی معادل ۵۰۰، ۳۰۰ و ۷۰۰ میلیون دلار رسیده است (گزارش‌های سازمان توسعه تجارت ایران از عملکرد تجارت خارجی کشور).

بر قدرت، عاملی تعیین‌کننده در جایگاه‌یابی کشورها است، رویکردی که ایران در مذاکرات هسته‌ای به آن بی‌توجه بود. بر این اساس، خودیاری و تکیه بر توانمندی‌ها تنها راه دست یافتن به امنیت است و در این میان توانمندی‌های هسته‌ای از مهم‌ترین آموزه‌های بازدارنده برای حفظ امنیت است. در حقیقت آنچه در خصوص مذاکره در حل و فصل اختلافات هسته‌ای ایران و شش دولت دیگر باید مدنظر قرار گیرد، این است که مذاکره ابزاری کارآمد در حل و فصل اختلافات هسته‌ای است؛ به شرطی که ضمن رعایت اصول حاکم بر آن، قدرت طرف‌ها به نحوی باشد که در مذاکره امکان تأمین شدن منافع طرفین باشد، امری که در سیاست‌های ایران مغفول ماند.

نتیجه‌گیری

اختلافات هسته‌ای شکلی از اختلافات بین‌المللی است که ناظر بر عدم اجرای تعهدات بین‌المللی دولت‌های عضو معاهدات مربوطه و همچنین اعضای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. این شکل از اختلاف از آن جهت در دسته اختلافات بین‌المللی است که به لحاظ طرفین، اختلاف میان تابعان حقوق بین‌الملل یعنی دولت‌ها باهم یا با سازمان‌های بین‌المللی است. همچنین، در خصوص ماهیت این اختلاف باید گفت که اختلافات هسته‌ای هم دارای ماهیت سیاسی و هم دارای ماهیت حقوقی هستند. بر این اساس و با توجه به لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی وفق ماده (۳۳) منشور، امکان حل و فصل اختلافات هسته‌ای هم از طریق سازوکارهای سیاسی و هم از طریق سازوکارهای حقوقی وجود دارد. اما تمرکز مقاله بر حل و فصل اختلافات هسته‌ای از طریق مذاکره است که بر این اساس این نتیجه حاصل شد که با توجه به ویژگی‌های خاص مذاکره، ابزار مناسبی برای حل و فصل اختلافات هسته‌ای است؛ زیرا هدف از مذاکره یافتن راه‌حل اختلاف به طریق دوستانه است که در واقع سازشی بین ادعاهای متضاد است. یکی از امتیازات این سازوکار این است که در آن برنده و بازنده‌ای وجود ندارد؛ زیرا طرفین بعضی امتیازات را از مجرای دیپلماتیک به دست می‌آورند. در واقع، طرفین باید برای رسیدن به یک هدف مشترک تلاش کنند و به دنبال ایجاد منطقه و محدوده‌ای باشند که حداقل، برخی از منافع هر طرف را در برگیرد. به علاوه اصولی نیز در مذاکره وجود دارد که باید مدنظر قرار گیرد از جمله اصل حاکمیت اراده، اصل حسن نیت، اصل انصاف که این امر

موجب اعتماد بیشتر به این روش می‌شود. البته در این خصوص شرایط مذاکره‌کننده، سیاست طرفین در طول مذاکرات و دستاوردها و هدف اصلی از مذاکره اهمیت دارد. در بررسی روند حل و فصل اختلافات هسته‌ای ایران از طریق مذاکره، با توجه به اهداف اصلی ایران از مذاکرات هسته‌ای که عبارت بود از به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، ملاحظه می‌شود که ایران در چهار دوره مذاکرات با طرف‌های غربی در هر دوره، هم سیاست‌ها و اهداف متفاوتی داشته و هم تیم مذاکره‌کننده بر این اساس متفاوت بوده است. در دوره اول تا سوم مذاکرات اگرچه سیاست‌های ایران با فراز و نشیب‌هایی همراه بود و توافقاتی نیز حاصل شد، اما شاهد رسیدن به اهداف مدنظر و تأمین شدن منافع ایران نیستیم. در دوره چهارم مذاکرات و توافق برجام، اگرچه به ظاهر توافقاتی در قالب قطعنامه شورای امنیت (۲۲۳۱) ایجاد و به لغو تحریم‌ها علیه ایران اشاره شد، اما در عمل هیچ تغییری در شرایط ایجاد نشد و طرف آمریکایی نه تنها تحریم‌های اعمال شده را لغو نکرد، بلکه به دلیل تأمین نشدن اهداف آمریکا که فشار حداکثری بر ایران برای پذیرش برجام ۲ و ۳ بود، شاهد خروج این کشور از برجام هستیم. لذا با توجه به فضای آنارشیک حاکم بر عرصه بین‌المللی، خودیاری و تکیه بر توانمندی‌ها تنها راه دست یافتن به امنیت است و در این میان، توانمندی‌های هسته‌ای از مهم‌ترین آموزه‌های بازدارنده برای حفظ امنیت است. در حقیقت آنچه در خصوص مذاکره در حل و فصل اختلافات هسته‌ای ایران و شش دولت دیگر باید مدنظر قرار گیرد این است که مذاکره ابزاری کارآمد در حل و فصل اختلافات هسته‌ای است؛ به شرطی که ضمن رعایت اصول حاکم بر آن، قدرت طرف‌ها به نحوی باشد که در مذاکره امکان تأمین شدن منافع طرفین باشد، امری که در سیاست‌های ایران مغفول ماند. بر این اساس، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- در فرآیند مذاکرات برای حل اختلافات هسته‌ای، منافع اصلی و اساسی تعیین شود و کسب آن‌ها اولویت مذاکره باشد.
- تضمین مناسب از طرف‌های مقابل اخذ شود که در صورت عدم انجام تعهدات خود، مسئولیتی متوجه آن‌ها باشد.
- انتخاب زمان مناسب مذاکره اهمیت دارد، در واقع مذاکره باید در زمانی صورت گیرد که امکان تبادل امتیاز وجود داشته باشد.

منابع

منابع فارسی

- اسمیت، مارتین (۱۳۹۴). قدرت در نظم جهانی در حال تغییر (علی آدمی، مترجم). تهران: انتشارات امیرکبیر
- پیری، حیدر (۱۳۹۲). منافع ملی حیاتی در چارچوب حقوق بین‌الملل. تهران: انتشارات مجد
- حاجی پور، مرتضی (۱۳۹۵). نقش محدودکننده حُسن نیت در مذاکرات. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی. دوره ۴، شماره ۱۴.
- سادات میدانی، سید حسین (۱۳۹۵). اختلافات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل. مجله حقوقی بین‌المللی. شماره ۵۴.
- شریفی طراز کوهی، حسین و گودرزی رئوف، هادی (۱۳۹۶). واکاوی حق دولت‌ها در تولید و توسعه تسلیحات نظامی از منظر حقوق بین‌الملل. فصلنامه آفاق امنیت. سال دهم، شماره ۳۶.
- صباغیان، علی و احمد بیگی، مهدی (۱۳۹۶). روابط فرآتلاتنیککی در مذاکرات هسته ایران و ۱+۵. فصلنامه روابط خارجی. سال نهم. شماره دوم.
- صلاحی، سهراب (۱۳۹۹). ایران و آمریکا در چهل سال. تهران: مؤسسه بوستان کتاب.
- صلاحی، سهراب، رضانی، احمد، مشکات، مصطفی (۱۳۹۸). نظام حقوقی حاکم بر ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوق انرژی. دوره ۵، شماره ۱.
- صلح چی، محمدعلی و نژندی منش، هیبت اله (۱۳۹۶). حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی. تهران: نشر میزان. چاپ ششم.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- طباطبایی، سید محمد و ذوالقدرنیا، حسین (۱۳۹۷). دیپلماسی هسته‌ای ایران و اروپا و تأثیر آن بر امنیت بین‌الملل با تأکید بر خروج آمریکا از برجام. فصلنامه آفاق امنیت. سال یازدهم. شماره سی و نهم.

- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷). سیری در نظریهٔ بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای. مجلهٔ سیاست دفاعی. شمارهٔ ۲۵.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۱). حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد (مرتضی کلانتریان، مترجم). تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- محبی، محسن و امینی، اعظم (۱۳۹۳). اصل انصاف و ظرفیت قاعده‌سازی آن در رویهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری. مجلهٔ حقوقی بین‌المللی. دورهٔ ۳۱. شمارهٔ ۵۱.
- معظمی، شهلا و نامیان، پیمان (۱۳۹۳). حقوق مبارزه با تروریسم هسته‌ای در اسناد بین‌المللی. تهران: نشر دادگستر
- موسی زاده، رضا (۱۳۹۵). بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: نشر میزان. چاپ بیست و ششم.

منابع انگلیسی

- Barnidge, Robert (2013). The International Law as a Means of Negotiation Settlement, Fordham International Law Journal, Volume 36, Issue 3.
- Cherkaoui, Mohammed (2018). Trump's Withdrawal from the Iran Nuclear Deal: Security or Economics?, Al Jazeera Centre for Studies 10 May 2018.
- Fisher, Roger; Ury, William; Patton, Bruce (2011). Getting to yes: negotiating agreement without giving in (3rd ed.). New York: Penguin Books.
- Francioni, Francesco (2013). Equity in International Law, Max Planck Encyclopedia of Public International Law.
- Goldberg, S.G.; Frank, E.A.; Rogers, N.H. (1992). Dispute Resolution: Negotiation, Mediation, and Other Processes, Boston: Little, Brown and Company.
- Gray, Julia (2017). Diplomacy and the Settlement of International Disputes, University of Virginia - Woodrow Wilson Department of Politics.
- Guzman, Andrew, T. (2011). Against Consent, Berkeley Law Scholarship Repository.
- Hale, Claudia L. Hale, Ross, Robert F. (1984). Identity Negotiation in Decision

Making Groups: A Case Study, *Journal of Language and Social Psychology*, First Published.

- Joyner, Daniel (2016). *Iran's Nuclear Program and International Law; From Confrontation to Accord*", London: Oxford University Press.

- Kerr, Paul K., Katzman, Kenneth (2018). *Iran Nuclear Agreement and U.S. Exit*, Congressional Research Service.

- Lapidoth, Ruth (1987). *Equity in International Law*, Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law), Vol. 81.

- Mathew, R. & Mc. Cormack, T. (1999). *The relationship between international Humanitarian Law and Arms Control*, London Kluwer Law International.

- Spain, Anna, Byrnes, A., Hayashi., M., Michaelsen, C. (2013). *International Dispute Resolution in an Era of Globalization*, *International Law in the New Age of Globalization*, Martinus Nijhoff.

- Spangler, Brad (2013). *Zone of Possible Agreement*, University of Colorado, beyondintractability.org.

- Xiaoshi, Li., Xuerui, Jia (2004). *Face Negotiation in Conflict Resolution in the Chinese Context*, Publication in <https://www.researchgate.net>.

- Yee, Woo Pei (2015). *Protecting Parties' Reasonable Expectations: A General Principle of Good Faith*, *Oxford University Commonwealth Law Journal*.